بهترین نماد، نماد فارغ از معنا؛ نقش بهترین نماد در صورت‌سازی

حال که مطلب قبلی را گفتم، یک اشاره کوچک هم بکنم؛ هر چیزی را می‌شود نماد برای هرچیزی قرار بدهیم؛ سؤال خیلی قشنگ این بود که بهترین نماد چه نمادی است؟ آیا شخص لفظ «زید» که در ساعت ده از دهان در آمده بود، نماد خوبی بود؟ نه؛ می‌شد و مشکلی نداشت، اما چه فایده‌ای دارد؟ یک لفظی است که گفته شده و تمام شده. همچنین اشیاء فیزیکی؛ ظاهراً در موزه پاریس است؛ می‌گویند متر اصلی که از آلیاژ خاص برای اندازه‌گیری درست کرده‌اند، هنوز آنجا هست. متری را درست کرده بودند و استاندارد متر بود. البته در زمان مأمون هم این کار را کردند تا نصف النهار را اندازه‌گیری کنند. در زمان ناپلئون بود که با نصف النهار پاریس این متر را درست کردند؛ یک ده میلیونیوم نصف النهار... . گفتند این یک متر است. فلزش را هم درست کرده بودند. این فلزی که در موزه به‌عنوان نماینده متر گذاشته شده، یک شخص است؛ خب این از آن لفظ ساعت ده صبح خیلی بهتر است. چرا؟ چون خلاصه یک چیزی است که می‌ماند. آن لفظ، محو شده و رفته، اما این می‌ماند. اما باز یک شخص است و وقتی از بین می‌رود، از بین می‌رود. باز هم یک شخص است. آنچه که در ذهن بشر جالب است، این است که آن اندازه را به‌عنوان یک طبیعت در نظر می‌گیرند. خود شکل‌ها در تجرد، برزخی بین معانی اصلی و معانی فیزیکی هستند. خب سؤال این است که بهترین نماد، چه نمادی است؟

شاگرد: این فرمایش شما در همه چیزهایی که شیء باشند، می‌تواند باشد؟ همه آن‌ها طبیعتی دارند.

استاد: ما هر شیء طبیعی را می‌توانیم نماد قرار بدهیم.

شاگرد: نه فقط اشیاء، حتی انسان و حتی نوشتار؛ هر چیزی که بتواند تحت شیء قرار بگیرد یک طبیعتی دارد که در همه افرادش سریان کلی دارد.

استاد: درست است.

شاگرد: یعنی این قاعده، کلیت دارد و تنها در اعداد و حروف نیست.

استاد: بله، تأکید من همین بود. این را که عرض کردم برای ساده‌ترین چیزها هم هست.

خب سؤال این است که بهترین نماد، کدام است؟ آن «زید» است؟ نه. این میل‌هایی که در پاریس گذاشته‌اند؟ نه. بهترین نماد، کدام نماد است؟ بهترین نماد، نمادی است که وقتی به خودش نگاه می‌کنید، غیر از خودش هیچ معنای دیگری در زبان‌های امروزی نداشته باشد. و لذا حروف الفبا یکی از این گزینه‌ها هستند. ب نماد است، اما می‌گوییم چه معنایی دارد؟ هیچ چیزی همراه آن در ذهنتان

نمی‌آید.

شاگرد: معنای طبعی به ذهن نمی‌آید یا معنای وضعی؟

استاد: قهراً معنای طبعی هم به ذهن نمی‌آید. مثلاً آلآن ب بگویند، چه معنای طبعی به ذهن شما می‌آید؟ چیزی به ذهن نمی‌آید. جالبی کار همین است. اینها دستبندی دارد. یعنی این خودش سؤال قشنگی است. فقط گفتم وارد‌ش نشویم. مطرح کردم، چون دیدم خوب است در ذهنتان باشد. این، سؤال مهمی بود. در نمادگذاری در علم نشانه‌شناسی، بهترین نمادها کدام هستند و چه ریختی دارند؟ این یک جواب مختصر است: نمادی است که به‌هیچوجه یک تکان به ذهن ما ندهد و وقتی به ذهن ما می‌آید، فقط خودش باشد؛ این نماد، بهترین نماد است. به خاطر اینکه اگر ذهن شما، خودِآن را ببیند سراغ چیزی برود، همین رفتن، بعدها مشکل‌ساز می‌شود. بهترین نماد آن نمادی است که ذهن شما با آن جایی نمی‌رود؛ شما کاملاً آزاد هستید در اینکه این چیزی که ذهن شما را به جایی نمی‌برد، شما مستقلاً هر کجا خواستید آن را ببرید؛ این نکته خیلی مهمی است. لذا در این جهت، حروف الفبا خیلی خوب است، اما نمادهای اعداد خوب نیست. نمادهای اشکال هندسی خوب نیست و دایره و مثلث نسبت به مثل باء و الف ضعف دارند.

شاگرد: محض عدد با حرف چه فرقی دارد و چطور بهتر است؟

استاد: عدد، یک معنا است و در آن شمارش هست؛ یک، دو و... . در یک نظام معنایی است که ذهن شما از آن درک دارد. تا ما «دو» می‌گوییم، این «دو» در ذهن شما از این شبکه معانی، یک پشتوانه دارد و آنها دخالت می‌کنند.

شاگرد: اگر ما همین را نماد چیزی قرار بدهیم که همسو با آن معنایی باشد که فهمیده می‌شود، چطور؟

استاد: این درست است؛ مشکلی که ندارد و خوب هم هست. یعنی بعد از اینکه اشکالات دارایوس بر هوش مصنوعی وارد شد، یکی از گزینه‌هایی که مهندسین نرم‌افزار انتخاب کردند و جلو رفتند، همین فرمایش شما بود. گفتند این برای نمادهایی است که بی‌معنا است. ما نمادهایی را به ماشین می‌دهیم که وقتی ماشین الگوی نماد را درک می‌کند، خود نماد، معنا داشته باشد. و لذا شبکه‌های از نمادهایی که معنای طبعی دارند، یکی از جواب هایی بود که به او می‌دادند. یکی از بهترین کارها این است که ما بتوانیم یک دستگاه نمادینی را سامان‌دهی کنیم که با طبیعت خودش و با معانیای که مرتبط است، ما حرف بزنیم؛ در این مشکلی ندارم. بحث من سر این است که ما می‌خواهیم یک زبان صوری محض درست کنیم؛ در این مقصد هستیم. یعنی یک زبانی که به‌هیچوجه ذهن ما را به‌سوی چیزهایی که قبلاً می‌دانیم، تحریک نکند و فقط در محدوده همین نمادها دور بزند؛ این بهترین نمادها است. چرا تأکید دارم که زبان محض باشد؟ به‌خاطر اینکه وقتی معانی دخالت می‌کنند، بعداً اختلاط‌ها و اشتباه‌ها رخ می‌دهد. به خلاف اینکه اول صوری‌سازی محض کنیم و بعداً معنادهی کنیم که بسیاری از اینها کمتر می‌شود، بلکه شاید به صفر برسد.

بازبینی #3
ایجاد شده 23 سپتامبر 2024 14:07:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 سپتامبر 2024 14:33:51 توسط ... .